مجلّهٔ طب سنّتی اسلام و ایران، سال پانزدهم، شمارهٔ دوم، تابستان ۱۴۰۳

مقاله مصاحبه

اهمیت جایگاه تاریخ‌نگاری خاندانی و تبارشناسی موضوعی در پژوهش‌های علوم انسانی و تاریخ پزشکی

ابوالفضل حسن‌آبادی[الف]*

[الف] مدیریت مخطوطات، کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: آبان ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: آبان ۱۴۰۳

بسم ا... الرّحمن الرّحیم. در خدمت استاد ارجمند جناب آقای دکتر ابوالفضل حسن‌آبادی، ریاست محترم بخش مخطوطات کتابخانهٔ آستان قدس رضوی مشهد، هستیم. ایشان بیش از دو دهه در حوزهٔ شجره‌نامه‌ها و تاریخ‌نگاری خاندان‌ها مشغول به تحقیق و پژوهش هستند. همچنین موضوع پایان‌نامهٔ تحقیقاتی دکتری ایشان هم در این زمینه بوده است؛ بنابراین از ایشان درخواست کردیم در مورد اهمیت تاریخ‌نگاری علمیِ شجره‌نامه‌ها و تبارنامه‌های خاندانی به‌ویژه در خاندان‌های پزشکی و اهمیت تاریخ‌نگاری آنها صحبت بفرمایند (این مصاحبه را دکتر محمد صدر در تاریخ۱۴۰۳/۰۸/۰۳ به مدت ۵۸ دقیقه انجام داده و مجری طرح سؤالات نیز، ایشان بوده است).

بسم ا... الرّحمن الرّحیم. دکتر حسن‌آبادی هستم، مدیر مرکز نسخ خطی آستان قدس رضوی و سال‌ها هم در مرکز اسناد آستان قدس به‌عنوان مدیر مرکز اسناد مشغول به کار بودم. به‌تناسب نوع تجربیاتی که در مرکز اسناد به‌ویژه در زمینهٔ تاریخ شفاهی و علاقهٔ شخصی داشتم در این زمینه فعالیت علمی و تجربهٔ زیادی دارم. موضوعی به نام شجره‌شناسی، که در ایران بیشتر در زمینهٔ سادات و خاندان‌های مذهبی مطرح است، یا تبارشناسی که کاربرد عمومی‌تری نسبت به شجره‌شناسی دارد، از موضوعات جذاب برای پژوهشگران به‌شمار می‌رود. در مقایسه با شجره‌شناسی در ایران، بحث تبارشناسی در دنیا بیشتر مطرح است. به‌نظر من بحث تبارشناسی و شجره‌شناسی در کشورهایی که هویت تاریخی ممتدی دارند، یکی از نقاط قوّت و شاخصه‌های هویتی محسوب می‌شود. کشوری که هزاران سال قدمت دارد، قطعاً خاندان‌ها و خانواده‌های بزرگی در آن طی دوره‌های مختلف تاریخی از طریق حکمرانی علمی و عملی ظهور کرده‌اند و می‌توان گفت تاریخ کشور ما مملو از تاریخ خاندان‌ها و خانواده‌هایی است که به‌نوعی در حوزه‌های علمی، دینی و حکومتی تأثیرگذار بوده‌اند.

قبل از اینکه وارد بحث تبارشناسی شویم، لازم می‌دانم دربارهٔ یک نکته صحبت کنم و آن هم اهمیت ارائهٔ تعریفی درست از تاریخ خاندان و خانواده است. واقعیت این است که بین تاریخ خانواده‌ها با خاندان کمی تفاوت وجود دارد که در ایران کمتر به آن توجه می‌شود. تاریخ خانواده معمولاً یک فرد با زیرمجموعهٔ خودش را دربر می‌گیرد، اما تاریخ خانوادگی، حداقل در نیم‌قرن اخیر در دنیا مورد توجه قرار گرفته است و در موضوعاتی مانند گسست‌های بین‌نسلی، تعمیق پیوندهای خانوادگی و همچنین بسترسازی برای هویت در آینده روی آن تأکید زیادی می‌شود. حتی در کشورهایی مانند آمریکا به ضبط عمومی و نگهداری تاریخ‌های خانوادگی، فارغ از توجه به ارزش‌های اطلاعاتی آنها، اقدام می‌کنند که اغلب از طریق مدارس، دانشگاه‌ها و یا یکی از مراکز پژوهشی جمع‌آوری شده‌اند. هدف اصلی این

* فرد مسئول مکاتبات: ahassanabady1@yahoo.com

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/15.2.7]

است که ردّ پای هر خانواده‌ای در تاریخ آیندهٔ آن کشور باقی بماند. این تلاش ممکن است از طرف نهادهای حاکمیتی با اعمال سیاست‌گذاری و یا توسط خود خانواده‌ها انجام شود. علاوه بر این جمع‌آوری، دسترس‌پذیری و اطلاع‌رسانی آن هم مورد توجه است؛ به‌طور مثال، در انگلستان در شهرهای بزرگ مانند لندن، آرشیوهای محلی برای شناسایی خانواده‌های هر محل و ثبت سابقهٔ آنها ایجاد شده، به‌طوری‌که تاریخ خانواده‌های آن محل و جابه‌جایی آنها نیز مشخص است. چرا تا این حد دقیق کار می‌کنند؟ به این دلیل که اعتقاد دارند هویت شهرها، روستاها و محله‌ها ارتباط مستقیمی با هویت مردم و ساکنانی دارد که در آن زندگی می‌کنند. به هر نسبتی که این هویت مستندتر باشد، به همان نسبت تاریخ مستندتری برای آینده دارند.

در ذیل این بحث، تاریخ خاندانی هم مطرح می‌شود. تاریخ خاندانی یک تفاوت با تاریخ خانوادگی دارد که شاید مهم‌ترین وجه بارزش این است که تاریخ خاندانی مربوط به کشورهایی با سابقهٔ هویت تاریخی است. چرا؟ به این دلیل که خاندان، مجموعه‌ای از چند خانواده در چند نسل و در چند دورهٔ تاریخی است؛ یعنی شما باید هم هویت، هم قدمت و به‌ویژه مدارک مستندی داشته باشید تا بتوانید تاریخ یک خاندان را معرفی کنید. شما اکنون می‌توانید در کشورهای جدید و تازه بزرگ‌شده‌ای مثل کشورهای حاشیهٔ خلیج‌فارس، روی تاریخ خانوادگی تمرکز کنید و حتی به‌صورت خیلی موردی یک‌سری بررسی تاریخ‌های خاندانی محدود را انجام دهید، اما این موارد با ایران، که چند هزار سال تاریخ دارد، تفاوت اساسی دارند. در هر گوشه از این کشورها، تاریخ‌های مستندنشده‌ای وجود دارد که بیانگر عملکرد خانواده و یا خاندانی است. وجوه اهمیت تاریخ‌های خاندانی در ایران به‌دلیل تنوع محتوایی آن است؛ یعنی تاریخ کشور ارتباط مستقیمی با خاندان‌های حکومتی، خاندان‌های علمی و مذهبی دارد. برخی از خاندان‌ها بیش از ٦٠٠ تا ٧٠٠ سال تاریخ خاندانی مستند دارند، سوابقشان مشخص است و شجره‌هایشان تکمیل شده است. این امر در حوزهٔ مذهبی و به‌ویژه در حوزهٔ سادات (حسنی، حسینی، موسوی و رضوی) اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا در دنیا کمتر مشاهده می‌کنید که این میزان علاقه به تاریخ خاندانی از طریق مستندسازی هویت مذهبی وجود داشته باشد.

– در میان کشورهایی که به ثبت تاریخ خانوادگی و خاندانی علاقه‌مند هستند، مشخصاً از کشور انگلیس نام بردید. چه کشورهای دیگری به این حوزه علاقه‌مند هستند؟ چرا این ایده مطرح شده که تاریخ خاندان‌ها و خانواده‌ها به‌صورت علمی در یک جایی ثبت شود؟ در مورد اهداف و کارکردهای ثبت این تاریخ‌ها توضیح دهید.

معمولاً کشورهایی که به‌ویژه جنبهٔ مهاجرت و مهاجرپذیری دارند، علاقهٔ زیادی به این حوزه نشان می‌دهند. به‌طور مشخص بخواهم نام ببرم، در آمریکا، که مجموعه‌ای از کلونی‌های مهاجر است، در حوزهٔ مستندسازی تاریخ سیاهان و مهاجرت‌های صورت‌گرفته از کشورهای دیگر مانند انگلیس و فرانسه پژوهش‌های زیادی انجام شده و از اواخر قرن ١٧م انبوه کتاب‌های تاریخ محلی با رویکرد تاریخ خانوادگی نوشته شده که برخی از خانواده‌های مهاجر به‌نوعی در پی تاریخ‌سازی برای خود هستند، حتی بسیاری از افراد شغلشان در قرن ١٨ و ١٩م در آمریکا اصلاً همین است که تاریخ خاندان‌ها را مستند کنند. از اواخر قرن ١٩ و اوایل قرن ٢٠م برخی سازوکارها برای منظم‌سازی فعالیت‌ها در زمینهٔ تبارشناسی و تاریخ خانوادگی در آمریکا شکل گرفت. انجمن تبارشناسی آمریکا در سال ١٩٠٣م با شش عضو شروع به کارکرد و در طی بیش از ١٠٠ سال، فعالیت‌های خود را در تمام آمریکا گسترش داد و ١٠ هزار عضو جذب کرد. انجمن تاریخ‌دانان آمریکا در سال ١٩٠٤م تأسیس شد و انجمن تاریخ محلی و ایالتی آمریکا در سال ١٩٦٤م به‌وجود آمد. هرکدام از این سه انجمن، فعالیت‌های مستمری را در زمینهٔ تاریخ خاندانی و تبارشناسی انجام می‌دهند. این انجمن‌ها ضمن جذب اعضا و آشناکردن آنها با یکدیگر به‌منظور انجام فعالیت‌های علمی، اقدام به تدوین استانداردهای جدید کاری می‌کنند. انجمن تبارشناسی آمریکا در سال‌های ٢٠٠٠م استانداردهای منظمی را تعریف کرده و بین سال‌های ٢٠١٤،

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/15.2.7]

۲۰۲۱ و ۲۰۲٤م پیوسته متناسب با گذر دوران، آنها را ارتقا داده است؛ برای مثال، آخرین استاندارد ۲۰۲٤م بحث DNA را مطرح کرده که در کانادا هم فعالیت‌هایی صورت‌گرفته است، چرا؟ به این دلیل که کانادا کشور مهاجران بوده و اعتقاد بر این است که هر خانواده‌ای به کانادا وارد می‌شود، باید تاریخش مستند باشد؛ زیرا شناسایی پیشینهٔ خانواده‌هایی که وارد آن کشور می‌شوند، به درک فهم پیشینهٔ خانوادگی آنها و تطبیقشان با جای جدید کمک می‌کند. این مسئله در استرالیا هم مورد توجه است.

– کارکرد این شجره‌نامه‌ها و ثبت تاریخ خاندانی و خانوادگی را در کشورهای مهاجرپذیر گفتید. ولی ظاهراً کارکرد این شجره‌نامه‌ها و ثبت این تاریخ‌های خاندانی در ایران و کشورهای اسلامی از نظر فقهی و از نظر علم انساب اهمیت داشته است.

بحث تبارشناسی در اسلام از همان آغاز مورد توجه بوده. چرا؟ چون بحث تبارشناسی حدیثی و شناخت سلسلهٔ راویان وجود دارد. برخی از مورخان بزرگ قرون اولیه مانند حاکم نیشابوری از همین سلسلهٔ راویان و محدثان بودند و یکی از مهم‌ترین محمل‌ها و بسترهایی که تاریخ‌نگاری خاندانی در آن بستر رشد کرده، اما برجسته نشده تاریخ‌نگاری خاندان‌های سادات است. اهمیت انتساب به ائمه و لزوم نگهداری تاریخ و شجرهٔ سادات به‌عنوان یک گروه در جامعه توسط نقیب، ظرفیت تاریخ خاندانی سادات را بالا برده است. نقیب مسئول ادارهٔ امور سادات و شناخت نسب و نگهداری آنها بوده است. کتاب‌های انساب و تاریخ سادات در زمرهٔ کتاب‌های رجالی و محلی دسته‌بندی می‌شوند. برخی از این کتاب‌ها مانند *الانساب سمعانی* و *لباب الالباب* از کتاب‌های مرجع به‌شمار می‌روند و برخی دیگر مانند *شجرهٔ طیبه* به‌صورت موردی نوشته شده است. بعضی از این خاندان‌های بزرگ به‌دلیل علاقه‌مندی و یا دارابودن موقوفه‌های اولادی، با تهیهٔ شجره‌ها و جمع‌آوری اسناد و مدارک علاقه‌مند به نگهداری تاریخ خودشان بودند.

– ثبت تاریخ خاندان‌ها و تبارشناسی آنها در خارج از ایران مثلاً در کشوری مثل انگلیس یا آمریکا از چه استانداردهایی پیروی می‌کند؟

در دنیا استانداردهایی برای تبارشناسی تعریف شده که آخرین ویرایش آن در سال ۲۰۲٤ است. این نسخه چند بُعد را دربر می‌گیرد:

۱) شایستگی اخلاقی؛ این‌که یک فرد به‌عنوان یک نسب‌شناس، تبارشناس و به‌عنوان کسی که می‌خواهد روی تاریخ یک خانواده کار کند، چه اصول اخلاقی‌ای را باید رعایت کند؟ یک نسب‌شناس، امینِ یک خانواده و خاندان است و امکان دارد در طی پژوهش خود به اطلاعات محرمانهٔ خانوادگی، اطلاعات محرمانهٔ پزشکی و شغلی بر بخورد و باید محظوریت‌ها و نکات اخلاقی را رعایت کند.

۲) از منظر شایستگی علمی است؛ فردی که قرار است به‌عنوان نسب‌شناس فعالیت کند، باید از جنبهٔ موضوعی و محتوایی به منابع اشراف داشته باشد، با اسناد و نسخ خطی آشنا شود و نحوهٔ استنتاج از اطلاعات را آموخته باشد و در کنار آن هنر نقد و بررسی نیز داشته باشد. در این استانداردها حتی دربارهٔ قالب ارائهٔ مطالب و نحوهٔ آن نیز بحث شده است؛ یعنی این‌که چگونه اینها در کنار هم گذاشته شود و در یک قالب مشخصی به نام تاریخ مثلاً خاندانی، تاریخ خانوادگی و تبارشناسی ارائه شود. البته در دنیا تفاوتی برای انواع تبارشناسی ارائه نشده است، اما در ایران و کشورهای اسلامی بین تبارشناسی سادات و غیرسادات تفاوت‌هایی وجود دارد. در حوزهٔ نسب‌شناسی سادات سخت‌گیری زیاد وجود دارد و افراد آشنا به کتاب‌های مرجع زیاد نیستند درحالی‌که در زمینهٔ عمومی قضیه تا حدی متفاوت است. بحث تاریخ خاندانی و خانوادگی، که هر کسی بتواند تاریخ خودش را مستند کند، یک موضوع علمی است که می‌تواند به‌صورت شخصی و یا سازمانی انجام شود. تلاش مؤسسات و انجمن‌های تبارشناسی در دنیا بر گسترش عمومی ثبت تاریخ‌های خانوادگی و خاندانی و انجام آن در چهارچوب

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/15.2.7]

استاندارد است و به همین منظور هر ساله نشست‌ها و کارگاه‌های زیادی در دنیا برگزار می‌شود.

– حضرت‌عالی گفتید در دورهٔ اسلامی ثبت تاریخ خاندانی از قرن دوم حداقل برای سادات وجود داشته است؛ غیر از سادات، خاندان‌های دیگری داشتیم مانند خاندان بنی‌موسی که منجم بوده‌اند یا خاندان‌های بختیشوع که پزشک بودند و یا خاندان‌های دیگر مانند خاندان سنان که در زمینه‌های نجوم و طب به‌صورت خاندانی فعالیت می‌کردند. لطفاً در مورد خاندان‌های موضوعی و استانداردهای ثبت تاریخ آنها توضیح دهید.

ما خاندان‌های موضوعی بسیاری داریم؛ یعنی همان‌طور که حضرت‌عالی فرمودید، در ایران به‌دلیل وراثت هنر و حرفه، خاندان‌های مختلفی مانند خاندان‌های پزشک، خاندان‌های منجم، خاندان‌های خوشنویس، خاندان‌های هنرمند و خاندان‌های صحاف وجود داشته است؛ مثلاً خاندان مروارید در مشهد در زمرهٔ خاندان‌های علمی و هنرمند محسوب می‌شدند. آستان قدس یکی از بزرگ‌ترین مراکز خاندانی در دنیا به‌شمار می‌رود که ردّ پای بسیاری از خاندان‌ها را می‌توان در آن به‌طور مستند یافت؛ ازجمله اولین واقف رسمی آستان قدس، عتیق‌علی منشی در سال ۹۳۱ ه‌ش است. خاندانی که به ایشان منتسب است، هنوز در آستان قدس خادم هستند. به‌منظور مستندسازی تاریخ خاندانی، واحد مطالعات در مرکز اسناد ایجاد شده است. در کنار این اسنادی که وجود داشته، مصاحبه‌هایی هم برای مستندسازی این اسناد و ثبت و ضبط آنها انجام شده و فعالیت‌های خوبی ازجمله در زمینهٔ تاریخ پزشکی آستان قدس شروع شده است؛ برای مثال، در زمینهٔ خاندان‌های پزشکی مانند سالاری‌ها و شاملوها، تاریخ معاصر پزشکی در مشهد و تبارشناسی مورد توجه قرار گرفت. در چشم‌انداز کتابخانهٔ ملی نیز تاریخ خاندانی مطرح است و به‌ویژه با استفاده از تاریخ شفاهی در تهران و مراکز وابسته در شهرستان‌ها، فعالیت‌هایی به‌صورت پراکنده انجام شده است.

نباید از یاد ببریم که انجام درست کار مستلزم برنامه‌ریزی، آموزش و ترویج صحیح است. این حوزه هنوز در ایران به‌عنوان یک روش علمی مطرح نشده، اما در انگلستان یکی از مشاغل اصلی مرتبط با تاریخ در زمینهٔ تبارشناسی است. به این صورت که درواقع شما به یک فردی سفارش می‌دهی و می‌گویی برو تاریخ خاندان من را پیدا کن و بنویس. این مورد به‌عنوان یک شغل مطرح است. البته فرصت مناسب برای فراگیری وجود دارد.

به‌نظر نمی‌رسد که کار بر روی تاریخ خانوادگی در کشورهای مختلف اسلوب‌های متفاوتی داشته باشد. بسیاری از استانداردهای شجره‌شناسی در دنیا در ایران نیز می‌تواند مورداستفاده قرار گیرد؛ زیرا دربرگیرندهٔ اصولی است که باید بر کلیّت پژوهش‌های خاندانی حاکم باشد، اما در زمینهٔ روش ممکن است تفاوت‌هایی به‌تناسب موضوع و محل وجود داشته باشد. ازجمله در زمینهٔ سادات که با کشورهای غربی متفاوت است. بررسی کارهای خاندانی انجام‌شده نیز نشان می‌دهد که همهٔ اینها براساس علاقه بوده و روش کمتر مورد توجه است. در زمینهٔ سازوکار و ساختار عمومی تاریخ خاندانی بیش از ۱۰۰ سال از دنیا عقب هستیم، اما در زمینهٔ تاریخ نگارش تاریخ‌های خاندانی قدمت بیشتری وجود دارد. در این زمینه باید فعالیت‌هایی منظم و ساختاری مانند راه‌اندازی انجمن، انتشار مجله و تدوین استانداردها مدنظر قرار گیرد.

– اگر یک پژوهشگر بخواهد به‌صورت نظام‌مند روی تاریخ خاندان‌ها و تبارهای پزشکی، بر مبنای اسناد آستان قدس رضوی پژوهش کند از کجا باید شروع کند؟ یعنی خودش می‌تواند اطلاعات موردنیازش را روی سایت جست‌وجو کند یا نیازمند آموزش‌های تخصصی است که بداند از چه نقطه‌ای شروع کند، به چه نقطه‌ای برود و چه سلسله‌مراتبی را طی کند تا پژوهش او حالت سلیقه‌ای نداشته نباشد، به‌گونه‌ای‌که در آینده هم حداقل خطا را داشته باشد و حداکثر اطلاعات را بتواند ثبت کند؟

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/15.2.7]

آنچه اکنون در حوزهٔ تاریخ خانوادگی و خاندانی در ایران مطرح می‌شود بیشتر کلیشه و سلیقه‌ای است و در دنیا وقتی تاریخ یک خاندان و خانواده را بررسی می‌کنند از ابعاد مختلفی به آن می‌نگرند و لایه‌های اطلاعاتی عمیق‌تر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. بحث وراثت به‌خصوص در زمینه‌های تاریخ خاندانی و برجسته‌سازی اطلاعات آن از اهمیت برخوردار است. البته این موضوع در ایران به‌دلیل قدمت تاریخی می‌تواند اهمیت بیشتری داشته باشد درحالی‌که کمتر به آن توجه شده است. مسئلهٔ تبارشناسی خاندانی فراتر از علاقهٔ شخصی و تاریخی می‌تواند جنبهٔ کاربردی نیز داشته باشد. با شناخت بهتر تاریخ خاندان‌ها می‌توان برخی ژن‌های خوب را شناسایی و برای آن برنامه‌ریزی کرد؛ بحثی که می‌توان از آن به تبارشناسی نخبگی نیز یادکرد. برخی کشورهای مهاجرپذیر نیز با برنامه‌ریزی دقیق و با شناخت تاریخ خاندان‌ها تلاش دارند تا با جذب نخبگان در اصل ژن نخبگی را وارد چرخهٔ خانوادگی خود کنند. یکی از مباحث جدی، که اکنون در ایران همه داد می‌زنند، این است که مهاجرت‌کردن فقط رفتن نیست و ژن دارد منتقل می‌شود. می‌گویند شما نگران این فرد نباشید که دارد می‌رود، این پزشک نشد، یک پزشک دیگر. شما متوجه نمی‌شوید که این چهار نسلش پزشک بوده و این فرد فارغ از این‌که پزشک است، یک ژن نخبگی پزشکی در درونش وجود دارد که مربوط به چهار نسل قبلی‌اش است. این ژن دارد از این مملکت بیرون می‌رود؛ یعنی یک گام فراتر.

در دههٔ اخیر تبارشناسی پزشکی با رویکرد اثبات نسب خانوادگی و شناخت بیماری‌ها در دنیا مورد توجه بسیاری بوده است. در همهٔ خاندان‌ها بیماری‌های موروثی وجود دارد و این امری شایع است. این امر در حوزهٔ پزشکی با استفاده از پزشک خانوادگی و توجه به ریشهٔ بیماری از اهمیت برخوردار است؛ مسئله‌ای که در طب سنتی نیز با رویکرد پیشگیری مهم‌تر از درمان، اهمیت دارد.

در زمینهٔ تبارشناسی خاندانی و اثبات نسب، استفاده از آزمایش ژنتیک مورد توجه قرار گرفته و در ویرایش استاندارد ۲۰۲٤م انجمن شجره‌شناسی، بحث DNA و تبارشناسی پزشکی وارد شده است.

علاوه بر موارد فوق توجه به انتقال تجربیات پزشکی در تاریخ معاصر نیز اهمیت دارد. درگذشته هر حکیمی شاگردانی داشت که از طریق آنها شیوهٔ طبابت و تجربیات خود را منتقل می‌کرد. این مسئله با رسمی‌شدن آموزش در دانشگاه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است و به‌سختی می‌توان در حوزهٔ پزشکی ردّ پای استادان پزشکی را برجسته کرده یا خاندان‌های سنتی عطاری‌ها را شناسایی کرد. در زمینهٔ تبارشناسی پزشکی، یک‌سوی آن تاریخ سنتی پزشکی و بومی ما است و سوی دیگرش تاریخ‌نگاری مدرن پزشکی و معاصر است، هر دو هم در جای خود مهم‌اند.

پژوهش بر روی تبارشناسی پزشکی را می‌توان از دو مسیر جداگانه پیگیری کرد. اول به‌صورت غیرحرفه‌ای و توسط علاقه‌مندان به تاریخ پزشکی و یا خود خانوادهٔ پزشکان و دوم در قالب دانشگاهی و طرح‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی در حوزهٔ ارشد و دکتری تاریخ پزشکی و یا توسط آرشیوها.

باتوجه‌به تجربیات قبلی من، بیشتر کارهای صورت‌گرفته در زمینهٔ تاریخ پزشکی در دانشگاه‌ها و مراکز اسنادی انجام پذیرفته و حوزهٔ پزشکی به‌صورت غیرحرفه‌ای کمتر مورد توجه بوده است. در زمینهٔ تاریخ خاندانی نیز کارهای چندانی انجام نشده و حلقهٔ گمشده در کلیهٔ فعالیت‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی، آموزش و درک صحیح از انجام چنین پژوهش‌هایی است و باید با تعریف دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و بلندمدت، تشکیل انجمن و رشته‌های تخصصی گام‌های بلندتری برداشته شود.

– گاهی نسخه‌های خطی‌ای را می‌بینیم که در ابتدای آنها مهرهای تملّک زده‌اند که نشان می‌دهد این کتاب مثلاً بین هفت نسل پزشک یا منجم در خانواده منتقل شده است. این داده‌ها چه ظرفیت‌های پژوهشی‌ای می‌تواند برای ما ایجاد کند؟ برای نمونه بررسی مهرهای تملّک و ردگیری خانوادگی پزشکان.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/15.2.7]

بله. ما بحث تبارشناسی نسخ خطی را داریم که از جنبه‌های متفاوتی به آن پرداخته شده و واقعیتش موضوع جدیدی هم نیست. هر نسخه‌ای یک سیر منطقی از ایجاد و پیدایش تا وضع موجودش را طی کرده که گاهی این سیر منطقی مستند شده است و گاهی هم افتادگی دارد. گاهی قرآنی مثل قرآن عثمان‌بن‌ورّاق کاغذساز، جلدساز، مذهّب‌کار و واقفش مشخص است. سیر تبارشناسی نسخ خطی در اصل داستان زندگی نسخه است. حال گاهی این نسخه، خاندانی است و گاهی نه. گاهی یک نسخه چند دست در یک خانواده چرخیده است، خصوصاً در قرآن‌ها ما نسخه‌های خاندانی قرآنی زیادی داریم. به‌طور مثال، امروز، به مرکز نسخ خطی آستان قدس قرآنی اهدا شده که حاوی اطلاعاتی مانند این است که چه موقع خریداری شده، چه کسی آن را خریداری کرده، اطلاعات خاندانی مانند تولد و ازدواج، مرگ‌ومیر و یا اتفاقات جالبی که محیط رخ‌داده است؛ مانند فردی که در جنگ ظفار به شهادت رسیده بود و داستان خانواده‌اش، این‌که حتی پول خون‌بهایش را گرفتند و چه کاری انجام دادند یا یخ‌بندانی که در ۱۳۴۲ه‌ش در اطراف بجنورد رخ داد و رودخانه به‌نحوی یخ زد که می‌شد با ماشین از روی آن رد شد. اینها را می‌توان در زمرهٔ تبارشناسی بیرونی نسخه محسوب کرد که ممکن است ربط مستقیمی با محتوای آن نداشته باشند. اما اطلاعات مهم دیگری نیز در نسخ وجود دارد که ارتباط مستقیمی با آن دارند؛ مانند کاتب، جلدساز، مؤلف و یا مهرهای نسخه مانند تملّک، عرضدید، رسم خزانه و .... مجموعهٔ اینها تبار یک نسخه را مشخص می‌کند و اطلاعات برخی از آنها که به‌ویژه در اختیار خاندان‌های علمی و مذهبی بوده است بیان‌کنندهٔ سرگذشت خاندان است.

– برای انجام پژوهش در زمینهٔ خاندان‌های پزشکی، محقق باید چه پیش‌نیازهایی داشته باشد؟ یعنی اگر یک دانشجوی کارشناسی‌ارشد یا دکترا بخواهد به‌صورت نظام‌مند، تاریخ خاندان‌های مرتبط با پزشکی مانند پزشکان، جراحان یا شکسته‌بندها را تدوین کند باید چه پیش‌نیازهایی داشته باشد و چه دوره‌هایی را بگذراند و کجا باید این آموزش را ببیند؟

متأسفانه، ما هیچ جای مشخصی نداریم که در حوزهٔ تاریخ خاندانی آموزش دهد؛ یعنی آموزش کارگاهی و رسمی کوتاه‌مدت یا بلندمدت وجود ندارد. باتوجه به تجربهٔ من و سابقهٔ انجام تاریخ‌های خاندانی در دنیا، علاقه مهم‌ترین شرط برای انجام تاریخ‌های خاندانی است. انجام تاریخ‌های خاندانی زمان زیادی می‌طلبد. پژوهشگران خاندانی‌ای وجود دارند که عمری را صرف جمع‌آوری و تحقیق بر روی اسناد خاندانی خود کرده‌اند. این مسئله در هر حوزهٔ موضوعی می‌تواند مطرح باشد. عموماً این نوع پژوهش‌ها به‌صورت شخصی انجام می‌شود.

در زمینهٔ آموزش رسمی نیز منبع مشخصی برای راهنمایی در زمینهٔ انجام تاریخ‌های خاندانی وجود ندارد و بیشتر سلیقه‌ای است. آنچه در برخی تحقیقات انجام‌شده در پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های چاپ‌شده مشخص است، بیشتر تکالیف دانشگاهی و یا علاقهٔ شخصی بوده که از آن به‌نحوی حمایت شده است. رویکرد بیشتر آنها تاریخی است و به کارکردهای تجاری، اقتصادی یا سیاسی خاندان‌ها باتوجه‌به اسناد و مدارک در دست محقق پرداخته شده است.

برای انجام صحیح کار، در گام اول تدوین دو واحد برای انجام تاریخ‌های خاندانی و الزامات و پیش‌نیازهای آن می‌تواند مفید باشد. در کنار آن، تدوین کتاب‌های راهنمای جامع می‌تواند کمک خوبی برای علاقه‌مندان باشد. باتوجه‌به نبود رشته و یا متولی خاص برای تاریخ خاندانی باید با ایجاد انجمن، زمینهٔ آشنایی متخصصان در موضوعات مختلف فراهم شود. این امر صبر و حوصلهٔ زیادی می‌خواهد و البته تعدادی پژوهشگر علاقه‌مند که پیگیر انجام آن باشند.

در کنار همهٔ اینها، در اولین گام تدوین استانداردهایی برای شروع از همه ضروری‌تر است تا شاخصه‌های یک غارشناس و نسب‌شناس و الزامات کارکردی و رویکردی آن مشخص باشد؛ به‌عنوان‌مثال، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/15.2.7]

یک نسب‌شناس خوب در استانداردهای جهانی، فارغ از آگاهی و علاقه، بحث ارتباطات خوب است. برقراری ارتباط با خاندان اهمیت زیادی دارد. درواقع شما می‌خواهید به لایه‌های زیرین اطلاعات این خاندان دسترسی پیدا کنید، مواردی که اصلاً هیچ‌کسی از آنها خبر ندارد و ممکن است انتشار آن به خانواده صدمه بزند. بحث کدهای اخلاقی در تاریخ خاندانی از مهم‌ترین سرفصل‌های تدوینی است و تأکید زیادی بر حفظ کرامت انسانی خاندان‌های صاحب اطلاعات دارد.

– یکی از فضاهایی که شما هم در بحث به آن اشاره کردید، بحث پزشکی و خاندان‌های پزشکی است. در دورهٔ قاجار، خصوصاً دورهٔ ناصرالدین، که دارالفنون تأسیس شد، تحولات مهمی در حوزهٔ پزشکی و داروسازی صورت گرفت. با ورود پزشکان خارجی و ایرانی‌های تحصیل‌کرده در اروپا داروهایی تجویز می‌شد که پیش از آن در طب سنتی نبود. این امر باعث شد صنعت دارو و داروخانه به شکل جدیدی در ایران شکل بگیرد. همچنین ابزارهای طبی و روش‌های تشخیصی جدیدی به ایران وارد شد. برای نمونه دستگاه اشعهٔ ایکس‌ری و یا آزمایش تجزیهٔ ادرار را آوردند که قبلاً وجود نداشت. در این راستا خانواده‌هایی به تأسیس داروخانه و طبابت و جراحی در دورهٔ معاصر، یعنی در ۲۰۰ سال اخیر مشهور هستند؛ بنابراین فضای خوبی برای ثبت این فعالیت‌ها و تبارشناسی خاندان‌های پزشکی وجود دارد.

بحث تبارشناسی فراتر از تاریخ خاندانی است؛ درواقع یک واژهٔ عام‌تر است که در دنیا ممکن است این امر بر موضوعات زیادی مانند قدرت و حتی تبهکاری صدق کند. تبارشناسی پزشکی بحثی فراتر از خاندان پزشکی است. برخی از موضوعاتی که شما ذکر کردید در ذیل خاندان‌های پزشکی و برخی در ذیل تبارشناسی پزشکی جا می‌گیرد و باید در جای خود بررسی شود.

برخی از اطلاعات را می‌توان با بررسی اسناد و مدارک برجای‌مانده از آن دوره به‌دست آورد. این امر بستگی به تخصص پژوهشگر و میزان منابع در دسترس دارد و البته اطلاعات زیادی نیز وجود دارد که به‌ندرت در اسناد مکتوب منتقل شده است و در زمرهٔ خلأهای اطلاعاتی به‌شمار می‌آید. یکی از راه‌های پرکردن این فاصله‌های اطلاعاتی انجام پژوهش‌های خاندانی است. این امر از طریق شناسایی خانواده‌ها و خاندان، انجام مصاحبه‌های تاریخ شفاهی و جمع‌آوری اسناد و مدارک تاریخی خانواده امکان‌پذیر است.

برخی از موضوعاتی که شما اشاره کردید به‌طور مستقیم به تبارشناسی دانش پزشکی مرتبط است. یکی از راه‌های اصلی انتقال دانش پزشکی درگذشته از طریق تربیت شاگردان بوده است. از زمانی که دانش پزشکی ما به‌صورت رسمی آموزش داده می‌شود بحث انتقال شاگرد کمتر مورد توجه قرار گرفته و در آموزش‌های دانشگاهی خلاصه شده است. خیلی از اولین‌ها و ساختارهای ایجابی در تبارشناسی دانش پزشکی ما ردّ پایش کمتر مشخص است. تقابل طب سنتی و مدرن به چه صورتی بوده است؟ برخورد مردم با داروهای شیمیایی چگونه بوده است؟ آیا این واکنش‌ها در مناطق مختلف یکسان بوده است؟ آیا ما نمی‌توانیم وارد یک شخصیت‌شناسی مثلاً در مسئلهٔ هویت پزشکی هر منطقه شویم؟

در بحث موردی برای تبارشناسی دانش پزشکی می‌توان به ورود پزشکان خارجی و تأثیر آنها در مناطق مختلف اشاره کرد. در شهر مشهد مسئلهٔ پزشکی مدرن و پزشکان خارجی با بیمارستان‌های دولت‌های خارجی از اوایل قاجار شکل گرفت. آستان قدس جزو اولین مراکز در ایران بود که بیمارستانی مدرن در مشهد ساخت. پزشکان خارجی که توسط آستان قدس در بیمارستان شاهرضا به‌کار گرفته شدند تأثیر زیادی بر پزشکی مدرن مشهد داشتند. بررسی و پیگیری شکل‌گیری هویت‌ها و تبارهای پزشکی نیازمند گذشت زمان زیادی است و این هویت یک‌شبه شکل نمی‌گیرد. خیلی از این هویت‌های پزشکی چنانچه به‌صورت تبارشناسی بررسی شوند، تبدیل به هویت می‌شوند. شما در بررسی تبار برخی از پزشکان موفق درگذشته به برخی از خصوصیت‌ها برمی‌خورید که از اهمیت برخوردارند؛ یک جنبه، مردمی‌بودن است، بحث دیگر هوش اجتماعی و تأثیرگذاری اجتماعی این فرد است و بحث دیگر تأثیرگذاری فرهنگی و میزان تلاش

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/15.2.7]

برای جامعه و محیط اطراف است. دست‌اندرکاران باید بحث تبارشناسی پزشکی را یک گام فراتر ببینید؛ یعنی تبارشناسی پزشکی جزو ضروریات است و باید در آموزش پزشکی و تربیت پزشک مورد توجه قرار بگیرد.

– با جنبه‌های مختلفی که امروز بیان کردید، مشخص شد ثبت تاریخ خاندانی و تبارشناسی علاوه بر جنبهٔ تفاخری، با جنبه‌های گسترده‌تری مانند جنبه‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی، سیاسی، فرهنگی و حتی آینده‌پژوهی نیز مرتبط است و جنبه‌های کاربردی مختلفی هم دارد. همان‌طور که بیان کردید، صحبتی که امروز داشتید، طرح موضوعی اجمالی در خصوص تبارشناسی خاندان‌ها و جنبه‌های مختلف آن بود. امیدواریم از حضرت‌عالی برای برگزاری کارگاه‌هایی در این زمینه برای پژوهشگران و دانشجویان بهره ببریم و چند مورد از پایان‌نامه‌ها را در این حوزه تعریف کنیم تا نمونه‌کارهایی به‌صورت عملی در حوزهٔ تاریخ پزشکی انجام پذیرد. در پایان، از توضیحات دقیق و وقتی که در اختیار ما گذاشتید، سپاسگزارم.

تضاد منافع

این مقاله هیچ تضاد منافعی ندارد.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.22034/15.2.7]